

۱۴۹۸۷۴۸

نیمه تاریک مدیریت

به قلم

ج. ر. هانلون

ترجمه:

علی رضا محمدی جونی

حسین قاسم زاده

سرشناسه	: هلن، جرارد Hanlon, Gerard
عنوان و نام پدیدآور	: نیمه تاریک مدیریت/ به قلم جرارد هانلون: ترجمه علی‌رضا محمدی جوفنقانی، حسین قاسم زاده.
مشخصات نشر	: تهران: معاد اندیشه، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۲۹۲ ص.
شابک	: 978-600-8540-59-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: Dark side of management : a secret history of management theory, 2016
یادداشت	: کتابنامه
موضوع	: مدیریت
موضوع	: Management
موضوع	: مدیریت صنعتی
موضوع	: Industrial management
شناسه افزوده	: محمدی جوفنقانی علی رضا، ۱۳۳۶ -
شناسه او	: قاسم زاده، حسین، ۱۳۶۲ -
رده بندی کنگره	: HD۳۱/۳/ ۵۹۵۹ ۱۳۹۶
رده بندی دیویی	: ۶۵۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۶۹۳۷۱



Miasa Publishing

نام کتاب: نیمه تاریک مدیریت

مترجمین: علی رضا محمدی جوفنقانی، حسین قاسم زاده

ناشر: معاد اندیشه

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰/۰۰۰ ریال

شابک: ۵-۵۹-۸۵۴۰-۶۰۰-۹۷۸

همه ی حقوق مادی و معنوی این اثر برای مترجمین محفوظ است.

این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان ایران مصوب ۱۱ / ۱۰ / ۱۳۸۴»

قرار دارد

تکثیر و انتشار این اثر به هر صورت، از جمله بازنویسی، فتوکپی، ضبط الکترونیکی

و ذخیره در سیستم های بازیابی و پخش، بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از نویسندگان

به هر شکلی ممنوع است. و به موجب این قانون متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

فهرست عناوین

پیشگفتار.....	۴
بخش اول : پیش درآمدی بر خوشنیت مدیریت.....	۷
مقدمه: مدیریت موهبت رایگان هوش عمومی و تقسیم کار.....	۸
فصل ۱: قلب قدرت طلب مدیریت.....	۳۵
بخش دوم : ماهیت تاریک دانش مدیریت.....	۷۵
فصل ۲: مبارزه طبیبانی: ون طبقه؟ تلاشی در جهت خلق بی کفایتی.....	۷۷
فصل ۳: تقسیم تقریباً مسری کار و مسامحت: گامی به سوی کارگر صنعت انبوه سازی.....	۱۲۳
فصل ۴: تعاون خودانگیخته: فرادری روی و روان.....	۱۷۱
بخش سوم : مدیریت، نئولیبرالیسم و یک تاریخ سرشار از خوشنیت.....	۲۱۵
فصل ۵: مصادره روح و روان: تایلور، مایو و اصول بنیادین مدیریت.....	۲۱۷
فصل ۶: مدیریت: نخستین علم نئولیبرال.....	۲۴۷
پی نوشت: مدیریت، امیل دورکیم و دسپلین.....	۲۷۳
منابع.....	۲۷۹

پیشگفتار

رینهارد بندیکس در سال ۱۹۵۶ کتاب خارق‌العاده‌ای تحت عنوان "کار و قدرت در صنعت: ایدئولوژی‌های مدیریت در فرایند صنعتی شدن" نوشت. وی در این کتاب به بررسی پیدایش مدیریت به‌عنوان مجموعه‌ای از اقدامات مربوط به ایجاد و قانونی کردن سلسله‌مراتب‌ها از طریق نهاد کاری پرداخت. مایه‌ی تأسف است که این کتاب دیگر مورد مطالعه گسترده قرار نمی‌گیرد، زیرا حاوی نکات برجسته در باب مدیریت پیوسته و ایدئولوژیکی است. ما در کتاب حاضر بر این هستیم تا نگاهی جدی به ایده‌های بندیکس انداخته و از منظر یک دیدگاه سیاسی متفاوت، نکات را به آن‌ها بیفزاییم و حوزه‌ی اطلاعاتی بندیکس را از نهاد کاری به کل جامعه توسعه دهیم. این دیدگاه کتاب حاضر را تبدیل به کتابی درباره مدیریت به‌عنوان مبارزه طبقاتی کرده است - کتابی درباره تحمل قدرت و مقاومتی که در زمین آن است.

مهم‌ترین گفتمان قرن بیستم - مدیریت - ماهیت مادی گرایانه دارد، چرا که در پی اصلاح روابط اجتماعی است تا مسیر را برای انباشت سرمایه باز کرده و ثروت را از یک طبقه به طبقه‌ی دیگر انتقال دهد. مدیریت هرگز گفتمانی درباره‌ی بهترین راهکارها برای سازمان می‌تولید یا راه‌حل‌های کارآمد نبوده است و نخواهد بود، بلکه مدیریت همواره یک تلاش سیاسی برای برقراری نظم، فروپاشی و بازسازی، اصلاح و الگوسازی و قانونی کردن و توجیه روابط اجتماعی بین مردم بوده است. در کتاب این تلاش، یک پروژه آزادیخواه نوین قرار گرفته است که راه‌حل‌های بازار محور، روحیه رقابت‌گری، مقاومت زخده، فردگرایی، کاربردپذیری، منطق‌پذیری اداری و حقوق مالکیت را بر روی یک جمعیت لگام‌گسیخته و منم‌اعمال می‌کند؛ بنابراین من اعتقاد دارم که مدیریت اولین علم آزادیخواه نوین است زیرا نهاد کاری را تبدیل به مکانی می‌کند که هم این گونه رقابت‌های فردی را می‌پروراند و هم حقوق مالکیت را از طریق اعطای حق مالکیت، گزینش، آموزش، ترفیع، مهارت‌زدایی و مجموعه‌ای از سایر اقدامات، قانونی کرده و بسط می‌دهد. مدیریت نه خشنی است نه عینی‌گرا و نه علمی، بلکه مجموعه بسیار غریبی از سیاست‌ها است.

در ایده اصلی این کتاب بیان می‌شود که مدیریت صرفاً نشانه‌ای از مقاومت نیروی کارگر است. اگر نیروی کارگر نباشد، مدیریت نیز در معنای مدرن و نوین آن وجود نخواهد داشت. مدیریت مولود نیروی کارگر است و بعد از پیدایش خود بیهوده تلاش می‌کند تا از نیروی کارگر فرار کرده یا آن را فردگرا کند و یا جمع‌پذیری آن را از بین ببرد تا آن را وابسته‌تر یا آسیب‌پذیرتر کند. حیات مدیریت وابسته به تعارض‌های درون نیروی کارگر است.

همچنین، همین امتناع‌های کارگر - منظور مقاومت آن‌ها در برابر تسلط سرمایه و مدیریت - است که راهکار رشد را به سرمایه و مدیریت نشان می‌دهد. به عنوان مثال، ابتکار و نوآوری آزاد مبتنی بر ترم افزار منبع آزاد است، نظام‌های آموزشی و بهداشتی اکثر جوامع صنعتی، با نیروی کارگر شروع شده‌اند نه با سرمایه و صنایع هتل داری و مهمان‌داری فقط در فرهنگی که درون آن قرار دارند زنده می‌ماند - فرهنگ‌هایی که اغلب در مخالفت با سرمایه به وجود آمده‌اند. امتناع از سرمایه، لازمی سرمایه‌داری است و مدیریت نشانه‌ای از این امتناع است؛ بنابراین سخن دراکر مبنی بر اینکه مدیریت، بهره‌ورترین نیرو است صحیح نیست، زیرا نیروی کارگر و امتناع، بهره‌ورترین و مبتکرترین نیروها می‌باشند. در کتاب حاضر، از این بینش‌ها برای بررسی مدیریت به عنوان یک مبارزه طبقاتی استفاده شده است.

در این کتاب نیز همدردی در کتاب دیگری، نقاط کور وجود دارد. من اگرچه به اهمیت بسیاری از کشمکش‌ها واقف هستم - جنس، قومیت، استعمار، مابرجت، نژاد، امور جنسی - اما صرفاً به اشاره‌های غیرمستقیم به آن‌ها بسنده می‌کنم. پیشاپیش به دلیل پرداختن به این نوع تحلیل‌ها و در عوض، تمرکز بر روی مسئله طبقه اجتماعی، معذرت‌خواهی می‌کنم. همچنین قبول دارم که تا حد زیادی بر روی تحلیل نظریه‌های مدیریتی تمرکز کرده‌ام نه بر روی روش‌ها؛ بنابراین ممکن است وسوسه این فرض پیش آید که این نظریه‌پردازها توانسته‌اند به چیزی که برای آن جدل کرده‌اند برسند - که البته چنین نیست و ما نباید صرفاً به سخنان آن‌ها تکیه کنیم. با این وجود، مطالعات آن‌ها حائز اهمیت است زیرا آرمان مدیریت را ترسیم می‌کنند. بردازهای مدیریت، معیاری در ذهن دارند که بسی نفس‌گیر است و ما با جدی گرفتن نویسندگان مدیریت، سود فراوا برده‌ایم. آن‌ها همیشه خواستار تابعیت کامل جامعه از سرمایه، کار از زندگی و سیاست از اقتصاد بوده‌اند - بنابراین اولین نظریه‌پردازهای مدیریتی، اولین ایدئولوژی‌های نتولیرال را به وجود آورده‌اند. اینکه آیا عناصر بزرگ مدیریتی نه ماهیت نتولیرال دارند، یکی از موضوعات مورد بحث من نیز می‌باشد.

من برای صحبت درباره‌ی آنچه دیگران به نام‌های "فرهنگ"، "اجتماعی شدن" یا "جامعه" می‌خوانند، از اصطلاح "هوش عمومی" مارکس استفاده می‌کنم. این اصطلاح تمامی معانی بالا را در برمی‌گیرد، اما قصد من از به کارگیری این اصطلاح این است که نشان دهم قلمروی مدیریت همیشه به فراتر از محل کار کشیده شده است و نیروی کارگر همیشه مقاومت کرده است، نادیده گرفته است و تسلیم این وسعت شده است و در نتیجه هوش عمومی هرگز یک فضای خنثی نبوده است بلکه به شدت توسط نیروی کارگر و مبارزه مدیریتی، ساختاریافته است.

حرف آخر این که هیچ کتابی را نمی‌توان به‌تنهایی نگاشت. افراد بسیاری، مستقیم و غیرمستقیم، به من کمک کرده‌اند تا درباره این مسائل اظهارنظر کنم. من صمیمانه می‌خواهم از تمامی اشخاصی که به‌طور غیرمستقیم در نوشتن این کتاب به من کمک کردند تشکر کنم. می‌خواهم تشکر ویژه‌ای داشته باشم از پیتز آرمسترانگ که در طول بیش از بیست و پنج سال، همواره هوش شگفت‌انگیز، دانش طبقاتی، جهد و کوشش و مهربانی وی الهام‌بخش من بوده است. همچنین می‌خواهم از گیسون بورل نام ببرم که کالج مدیریت را در دانشگاه لستر بنا کرد. من دانش زیادی در آنجا کسب کرده‌ام. گیسون همیشه اعتقاد داشته است که ما باید بیشتر مطالعه کرده و کمتر بنویسیم - و چه توصیه خوبی است. همچنین، می‌خواهم مراتب سپاسگزاری خود را به‌تمامی پژوهشگرانی که مطالعات مدیریتی مهم را نگاشته‌اند ابرار کنم، از جمله هیوز و بلموت، دیوید نایت، مایک رید و استفن آکروید.

می‌خواهم از جمعی از دوستان که این کتاب را مطالعه و درباره آن اظهارنظر کرده‌اند تشکر کنم: النا باگلیونی، لیام کمپلینگ، دنیس فریر دی ریوا، اما داویلینگ و تیم ادکینز برای تمامی کمک‌ها و پرسش‌های مفید آن‌ها. همچنین می‌خواهم از دوستانم در دانشگاه لیستر تشکر کنم - استفن دام، دیوید هاروی، سیمون لیلی، النی کارامالی، دیمیریس پاپادولوپول و مارتین پارک که هر یک از آنها به من محفلی برای من فراهم کرده‌اند تا ایده‌هایم را به بحث بگذارم. همچنین می‌خواهم صمیمانه‌ترین قدردانی‌ها را از ماتس آلسون، اسور اسپولستا و نیک باتلر به عمل بیاورم که به من اجازه دادند در کنار آن‌ها در دانشگاه لوند مطالعه کنم. ولین پیش‌نویس این کتاب را در همین دوره دوماهه مطالعه در دانشگاه لوند نوشتم. این کتاب صرفاً به برکات سخاوت‌مندی ماتس که به‌نوعی بودجه آن را فراهم کرد، نگاشته شد. هر سه این اشخاص و همکارانشان، میزبان‌های فوق‌العاده‌ای بودند. به‌خصوص اسور، زمان زیادی را صرف همکاری با من کرد.

من همچنین از بحث‌های فراوان و گسترده‌ای که با دوستان خویم، پیتز فلمینگ، مات و ماندارینی و امیت رای، داشته‌ام به‌شدت نفع برده‌ام. در سرتاسر کتاب حاضر، رد پای آن‌ها را می‌توان یافت. بدون وجود آن‌ها، این کتاب بسیار ضعیف‌تر می‌بود. استفانو هارنی مرا به بسیاری از اشخاص فوق‌معرفی کرد و همیشه مرا به مقامات سیاسی ارجاع داده و مرا به دنبال کردن دیدگاه‌های تئولیرال ترغیب می‌کرد. هستی این کتاب به کمک او نوشته‌شده است، گرچه تصور می‌کنم اگر خود وی دست به نگارش می‌زد، چیزی مافوق این کتاب می‌نوشت. بسیار خوشحال خواهم شد اگر تمامی اشخاص بالا نیز از همکاری با من خرسند بوده باشند. لازم به گفتن نیست که هرگونه خطا و سویی برداشت در این کتاب، صرفاً حاصل تفکر این جانب نویسنده است.